

مکان‌های مقدس در آموزه‌های اسلامی و حقوق بین‌الملل

سید محمدعلی هاشمی^۱

چکیده

در عرف بین‌الملل، مکان‌هایی مقدس، در محدوده جغرافیایی خاص واقع شده است و یک یا چند دین یا مذهب، آن را مقدس می‌شمارند. مکان‌های مقدس یا ساخته بشرند، مانند مساجد، کلیساها، معابد و قبرستان‌ها، یا پدیده‌های طبیعی هستند، همچون درخت یا درختان، رودخانه‌ها، تپه‌ها و جنگل‌ها. آموزه‌های اسلامی، ضمن شناسایی ویژه این مکان‌ها، موقعیت ویژه حمایتی را نسبت به این مکان‌ها پایه‌ریزی کرده‌اند. شناسایی، برابری انسان‌ها در بهره‌بری و رفت و آمد و امنیت مطلق؛ از جمله آموزه‌ها و احکام اسلامی در زمینه حمایت از حرم مکی و مدنی است.

بایسته‌های حقوق بین‌الملل، نظام بین‌الملل حقوق بشر و نظام بین‌الملل حقوق بشر دوستانه نیز در مقرردها، هنجارها و معاهدات خود، ضمن شناسایی ویژه این مکان‌ها، به حمایت از آن در شرایط مختلف پرداخته‌اند. «واتیکان و کلیسای کاتولیک» و «بیت المقدس»، از جمله سرزمین‌هایی است که در راستای حمایت از مکان‌های مقدس و مقدسات دینی، مورد شناسایی ویژه حقوق بین‌الملل قرار گرفته‌اند. بیت المقدس، بنا بر قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷م. شهری با ماهیت بین‌المللی است که صلاحیت اعطای تابعیت و ارتباطات بین‌المللی در حد دولت عضو جامعه بین‌المللی را دارد.

کلید واژگان: حقوق بین‌الملل، اسلام و حقوق بین‌الملل، مکان‌های مقدس، حرم مکی و مدنی، بیت المقدس.

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم؛ دکتری فقه و حقوق دانشگاه قم؛ دانشجوی ارشد علوم اقتصادی تهران جنوب.

مقدمه

حقوق بین الملل (International Law) عنوانی است معمول برای گزارش حقوق جامعه بین المللی. این تعبیر عنوانی است برای گستره‌ای پرمایه از بایسته‌ها و هنجارهای حقوقی که در برابر «حقوق ملی» (National Law) یا «حقوق شهری مدنی» (Municipal Law) به کار می‌رود. (نگوین کک دین و دیگران، ترجمه: حسن حبیبی، ج ۱، صص ۴۶-۴۵، ۱۳۸۲ ش.) برخی از دانشیان حقوق، حقوق بین الملل را به مجموعه‌ای از اصول، عرف‌ها و قواعدی که به گونه‌ای مؤثر به عنوان تعهدات الزام‌آور، مورد شناسایی دولت‌های حاکم و دیگر واحدهای مشابه واجد شخصیت بین المللی قرار گرفته است، تعریف کرده‌اند؛ با این توضیح که این حقوق، همچنین به طور فزاینده‌ای در روابط افراد با دولت‌ها به کار گرفته می‌شود، (گرهارد فن گلان، ترجمه: سید داود آقایی، ج ۳، ص ۱۷، ۱۳۸۶ ش.) به نظر می‌رسد با وجود تعاریف متعدد، همه دانشیان حقوق بین الملل بر این تعریف، تا حدودی اتفاق داشته باشند که حقوق بین الملل، حقوقی است که در جامعه بین المللی قابلیت اجرا را داشته باشد، (نگوین کک دین و دیگران، ترجمه: حسن حبیبی، ج ۱، ص ۴۵، ۱۳۸۲ ش.)

ارتباط وثیق جوامع و کنش‌های اجتماعی با آموزه‌های دینی و تأثیر این آموزه‌ها در شکل‌گیری رفتار بین المللی حاکمیت‌ها و نهادهای بین المللی؛ از جمله دلایلی است که بر بایستگی توجه دانشیان حقوق بین الملل به مسئله دین در گستره‌ای گسترده، تأکید می‌کند. شناسایی ادیان و فرهنگ‌های جوامع و حق دینداری؛ از جمله نتایج توجه دانشیان حقوق بین الملل به این مهم است. امروزه بر اساس فضای گفتمانی و اسناد حقوق بین الملل، ضمن شناسایی کارکنان و پرسنل مذهبی، (Religious Personnel). تأکید می‌شود که حتی در مخاصمات بین المللی، پرسنل مذهبی از حمایت و رفتاری مشابه با پرسنل پزشکی برخوردارند، (پیتر وری، ترجمه: سیامک کرمزاده و کتابتون حسین‌نژاد، ج ۲، ص ۱۱۳، ۱۳۹۱ ش.)

«مکان‌های مقدس» (Holy Places). و مباحث حقوقی با رویکرد بین الملل پیرامون آن‌ها؛ از جمله اموری است که دانشیان حقوق بین الملل و برخی از اسناد بین المللی به آن توجه داشته‌اند. چنانچه

«عرف بین المللی» که از جمله منابع حقوق بین الملل است، (ماده ۳۸ اساسنامه دیوان دادگستری بین المللی) نیز بر شناسایی مکان‌ها و سایت‌های مقدس تأکید می‌کند. نظام بین الملل حقوق بشر دوستانه^۱ نیز آموزه‌ها، اسناد و بایسته‌ای مهمی در زمینه مکان‌های مقدس دارد.

در آموزه‌های اسلامی نیز برخی مکان‌ها به عنوان حرم و مکان مقدس شناخته شده است. حرمت و قداست ذاتی این مکان‌ها در کنار کارویژه‌های خاص خود در فرایند تکمیل اعمال عبادی مسلمانان، از جمله دلایل شناسایی این مکان‌هاست. چنان‌که تعدی به اماکن غیر نظامی، از جمله مکان‌های مذهبی نیز بنا بر آموزه‌های اصیل اسلامی نارواست. رسالت این پژوهش، بررسی جایگاه و پتانسیل‌های موجود در آموزه‌های دینی و یافته‌های دانشیان حقوق بین الملل و ظرفیت‌های این دانش در زمینه شناسایی مکان‌های مقدس است. بر این اساس، فرایند پژوهش در دو بخش «آموزه‌های اسلامی و مکان‌های مقدس» و «حقوق بین الملل و مکان‌های مقدس» به سامان می‌رسد.

۱. آموزه‌های اسلامی و مکان‌های مقدس

«حَرَم» در لغت به همه آنچه انسان از آن حمایت می‌کند و مدافع آن است، اطلاق می‌شود. کاربرد و استعمال زیاد این واژه در مکان‌های مقدس، باعث شکل‌گیری معنای دیگری برای این واژه شده است. حرم در این معنای دوم، به مکان‌های مقدسی اطلاق می‌شود که قداست و حرمت داشته و هتک آن حرام است، (میرزا علی مشکینی، ص ۲۰۸، چ ۱، قم، الهادی، ۱۴۱۹ق؛ یاسین عیسی عاملی، ص ۶۷، چ ۱، ۱۴۱۳ق). «حرم مکی»، مهم‌ترین مصداق حرم است که حرمت و عظمت بالایی دارد. در فرهنگ و اندیشه اسلامی، این حرم را حرم الهی می‌دانند، (سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی، ج ۱۶، ص ۱۳۴، چ ۱، ۱۴۱۴ق؛ سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی، ج ۱۶،

۱. حقوق بین الملل بشردوستانه، یک نظام حقوقی است که فقط در زمان وقوع درگیری مسلحانه، قابلیت اجرا می‌یابد. هدف حقوق بین الملل بشردوستانه، حمایت از قربانیان جنگ‌ها و تنظیم نحوه هدایت درگیری است. این حقوق برای اجرا در شرایط اضطراری، ایجاد شده است؛ در نتیجه هیچ‌گونه تخطی از آن مجاز نیست. حقوق بین الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، ص ۱۵

ص ۱۳۴، ج ۱، ۱۴۱۴ق:؛ صاحب بن عباد، ج ۳، ص ۹۳، ج ۱، ۱۴۱۴ق). گزاره قرآنی ﴿وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفَ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُحْيِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَ لَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱ اشاره به این حرم دارد. بر همین اساس و با اشاره به همین گزاره قرآنی، برخی تأکید می کنند که مکه، حرم الهی نامیده شده است؛ چرا که خداوند، مدافع آن و مدافع حجاج در آن است: «و سَمَّيْتُمُكَّةَ وَ مَا حَوْلَهَا حَرَمًا، لِأَنَّ اللَّهَ يَحْمِيهَا وَ يَحْمِي الْحَجَّاجَ فِيهَا»، (عبدالمعظم محمود عبد الرحمان، ج ۱، ص ۵۶۳، بی تا). چنانچه واژه «حرمین» در فرهنگ و اندیشه اسلامی، بر مکه و مدینه دلالت دارد.

دانشیان فقه، حدود حرم مکی و مدنی را بیان کرده اند. حرم مکی از شمال به مکانی که مشهور به «التنعیم» است و ۶ کیلومتر با مکه فاصله دارد، منتهی می شود؛ چنانچه از جنوب به «اضاة» با ۱۲ کیلومتر فاصله و از شرق به «جعرانه» با ۱۶ کیلومتر و از غرب به «الشمیسی» با ۱۵ کیلومتر فاصله، منتهی می شود. گستره حرم مدنی هم ۱۲ میل است که از کوه عیر در نزدیکی میقات تا کوه ثور در نزدیکی کوه احد است، (محمد جواد مغنیه، ج ۲، ص ۱۸۵، ج ۲، ۱۴۲۱ق).

آموزه های اسلامی، ضمن شناسایی و توجه به حرم های مقدس، به ویژه حرم مکی، احکام و هنجارهای خاصی را در این زمینه ترویج کرده است. قرآن کریم بر امنیت همه جانبه کسانی که در این حرم مقدس وارد می شوند، تأکید می کند: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾. (آل عمران: ۹۷)^۲ گزاره «وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، در قالب ماضی استمراری، بر اهمیت و بایستگی امنیت و تأمین امنیت کسانی که وارد این حرم می شوند، تأکید می کند.

۱. «و [مشركان برای معذور بودن خود در نپذیرفتن هدایت] گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت [قرآن] پیروی کنیم [به وسیله مشركان قلدر عرب] از سرزمینمان (شهر مکه) روبرو خواهیم شد! آیا ما آنان را در حرم امنی جای ندادیم که همواره [در همه فصول سال] هر نوع میوه و محصولی که رزقی از سوی ماست، به سوی آن گردآوری می شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش [نسبت به واقعیات] ندارند» (قصص: ۵۷).

۲. «در آن نشانه هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله] مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود، در امان است و خدا را حقی ثابت و لازم بر عهده مردم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند؛ [البته] کسانی که [از جهت سلامت جسمی و توانمندی مالی و باز بودن مسیر] بتوانند به سوی آن راه یابند و هر که ناسپاسی ورزد [و از رفتن به آنجا خودداری کند، به خود زیان زده؛ زیرا خدا از جهانیان بی نیاز است.»

برخی از نصوص روایی در تفسیر این آیه قرآنی یا به نحو مستقل، به احکامی اشاره می‌کنند که بر امنیت همه‌جانبه در این مکان مقدس تکیه دارند. بر اساس مفاد این نصوص روایی و در راستای گزاره قرآنی «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، اگر کسی در بیرون حرم، جنایتی مرتکب شود و به حرم پناهنده شود، کسی نمی‌تواند او را دستگیر کند. البته با در مضیقه انداختن، می‌شود زمینه خروج او از حرم را فراهم کرد؛ ولی تا زمانی که در حرم است، نمی‌شود او را دستگیر کرد. البته حرمت و توجه به امنیت در حرم تا به آنجاست که اگر کسی در فضای حرم مرتکب جنایتی شود، در خود حرم بر او حد جاری می‌شود؛ چرا که حرمت حرم را نگه نداشته است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا قَالَ إِذَا أَحْدَثَ الْعَبْدُ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ جَنَآئَةً ثُمَّ فَرَّ إِلَى الْحَرَمِ لَمْ يَسْعَ لِأَحَدٍ أَنْ يَأْخُذَهُ فِي الْحَرَمِ وَلَكِنْ يُمْنَعُ مِنَ السُّوقِ وَ لَا يُبَاعُ وَ لَا يُطْعَمُ وَ لَا يُسْقَى وَ لَا يُكَلَّمُ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ يُوْشِكُ أَنْ يُخْرَجَ فَيُؤْخَذَ وَإِذَا جَنَى فِي الْحَرَمِ جَنَآئَةً أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحُدُودُ فِي الْحَرَمِ لِأَنَّهُ لَمْ يَدْعَ لِلْحَرَمِ حُرْمَتَهُ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۴، ص ۲۲۶، ج ۴، ۱۴۰۷، ق.)

«حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» پرسیدم. ایشان جواب دادند: اگر کسی در غیر حرم، جنایتی انجام دهد و سپس به حرم فرار کند، هیچ کس حق ندارد او را در حرم بگیرد؛ ولی مانع وارد شدن وی در بازار شده و کسی با او معامله نمی‌کند. طعام و آب از او بریده می‌شود و کسی با او سخن نمی‌گوید. چون چنین رفتاری با او انجام شود، از حرم خارج می‌گردد و در نتیجه بازداشت می‌شود. ولی اگر شخصی در حرم مرتکب جنایت شود، در همانجا حد بر او جاری می‌شود؛ چون برای حرم الهی احترامی قائل نشده است.»

حتی در برخی از نصوص روایی تأکید می‌شود، این امنیت به انسان‌ها اختصاص نداشته و بر امنیت و ممنوعیت تعدی به حیوانات وارد شده به این حرم، توجه می‌شود:

«وَمَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يُهَاجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ» (آل عمران: ۹۷)

«پرندگان و حیوانات وحشی‌ای که داخل در حرم می‌شوند، از اذیت شدن و پراندن در امان هستند تا وقتی که از حرم بیرون روند.»

البته حرم مکی در آموزه‌های اسلامی احکام ویژه دیگری نیز دارد، که مبانی مستحکمی برای شکل‌گیری گفتمان‌های متناسب با آموزه‌های حقوق بین‌الملل در زمینه مکان‌های مقدس است. توضیح آنکه آموزه‌های اسلامی در زمینه حرم و مسجد الحرام، احکام ویژه‌ای دارد که بازخوانی این احکام و استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تشریحات و آموزه‌های فقهی مرتبط با آن، زمینه‌ساز استیفای حقوق حج‌گزاران در بعد بین‌المللی است. شایان توجه است که در میان احکام و ویژه حرم، برخی از احکام، از ابعاد بین‌المللی برخوردار بوده یا آموزه‌ای است که بر برخی از ویژگی‌های مکانی و زمانی حج تأکید می‌کند و پتانسیل‌های زیادی برای گفتمان‌سازی در زمینه مکان‌های مذهبی و مقدس در بر دارد؛ از جمله:

الف) برابری و مساوات همه‌جانبه در حرم

گزاره قرآنی «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ يَظْلَمْ نَفْسَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ» (حج: ۲۵)^۱ بر مساوات و برابری همه‌جانبه همه در حرم تأکید می‌کند. برخی از دانشیان تفسیر با استناد به همین گزاره قرآنی، به ویژه فقره «سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» تأکید می‌کنند:

«ولا خلاف بين المسلمين في أن الناس سواء في أداء المناسك بالمسجد الحرام وما يتبعه إلا ما منعه الشريعة كطواف الحائض بالكعبة.»

«در بین مسلمانان پذیرفته شده است که مردم در ادای مناسک در مسجد الحرام و غیر آن برابرند؛ مگر رویه‌ای در پیش گیرند که از نظر شریعت اسلامی نادرست است؛ مثل طواف حائض.» (ابن عاشور، محمد بن طاهر، ج ۱۷، ص ۱۷۲، بی‌تا.)

برخی دیگر از دانشیان تفسیر توضیح می‌دهند که در تفسیر جمله «سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ»

۱. «مسلمان کسانی که کافرند و از راه خدا و [ورود مؤمنان به] مسجد الحرام که آن را برای همه مردم، چه مقیم، حاضر و چه مسافر، یکسان قرار داده‌ایم جلوگیری می‌کنند، [کیفری بسیار سخت خواهند داشت] و هر که بخواهد در آنجا با انحراف از حق روی به ستم آورد [و دست به شرک و هر گناهی بی‌الایند]، او را عذابی دردناک می‌چشانیم.»

مفسران بیانات گوناگونی دارند؛ بعضی گفته‌اند منظور این است که همه مردم در مراسم عبادت در این کانون توحید یکسان‌اند و هیچ کس حق مزاحمت به دیگری در امر حج و عبادت در کنار خانه خدا ندارد. در حالی که بعضی معنی وسیع‌تری برای این جمله قائل شده‌اند و گفته‌اند، نه تنها در مراسم عبادت، مردم یکسان‌اند، بلکه در استفاده کردن از زمین و خانه‌های اطراف مکه برای استراحت و سایر نیازهای خود نیز باید مساوات باشد. به همین دلیل جمعی از فقیهان، خرید و فروش و اجاره خانه‌های مکه را تحریم کرده‌اند و آیه فوق را شاهد بر آن می‌دانند.

بدون شک سزاوار است اهل مکه، هر گونه تسهیلاتی برای زوار خانه خدا قائل شوند و هیچ گونه اولویت و امتیازی برای خود نسبت به آنها، حتی در خانه‌ها قائل نشوند. این معنی نیز مسلم است که هیچ کس حق ندارد به عنوان متولی خانه خدا یا عناوین دیگر، کمترین مزاحمتی برای زائر این خانه ایجاد کند یا آن را به یک پایگاه اختصاصی برای تبلیغات و برنامه‌های خود تبدیل نماید، (ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۴، صص ۶۲-۶۴، ج ۱، ۱۳۷۴ ش).

شایان توجه است که اگرچه در این گزاره قرآنی، تعبیر به «الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» شده و مرجع ضمیر «فیه» در فقره «سَوَاءٌ أَعَاكُفُ فِيهِ وَالْبَادِ» نیز به ظاهر مسجد الحرام است، ولی مراد از مسجد الحرام، کل حرم و همه گستره جغرافیایی حرم است؛ چرا که واژه عاکف در این گزاره قرآنی به معنای مقیم و ساکن است و واضح است که در حرم، مقیم بودن معنا ندارد، بلکه مقیم شهر مکه هستند؛ چنانچه تعبیر به مسجد الحرام کردن و اراده شهر مکه و حرم در ادبیات قرآن نیز سابقه دارد. توضیح آنکه خدای متعال در گزاره «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (اسراء: ۱). مسجد الحرام را مبدأ سیر پیامبر ﷺ ذکر کرده، ولی مرادش مکه بوده است، (فخر رازی، محمد بن عمر، ج ۲۳، ص ۲۱۷، ج ۳، ۱۴۲۰ ق؛ محمد صادقی، ج ۲۰، ص ۴۸، ج ۲، ۱۳۶۵ ش).

برایند حداقلی این فهم از گزاره قرآنی این است که در اجرای مراسم و مناسک حج، فرقی بین شهروندان دولت عربستان و دیگر مسلمانان نیست؛ چنانچه دولت عربستان ملزم است که موجبات دسترسی دیگر مسلمانان را به اماکن مقدس حرم به جهت انجام مناسک حج فراهم

آورده و در این زمینه کارشکنی نکند.

برخی از روایات، این گزاره قرآنی را تفسیر کرده و به نکاتی اشاره می کنند که بایسته توجه است. در روایتی از امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل شده است:

«عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ أَنَّهُ نَهَى أَهْلَ مَكَّةَ أَنْ يُؤَاجِرُوا دُورَهُمْ وَأَنْ يُعَلِّقُوا عَلَيْهَا أَبْوَابًا وَقَالَ «سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ» قَالَ وَفَعَلَ ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ حَتَّى كَانَ فِي رَمَنْ مُعَاوِيَةَ» (حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۳، ص ۲۶۹، چ ۱، ۱۴۱۴ق.)

امام علی علیه السلام از اینکه اهل مکه خانه های خود را اجاره دهند و برای آن در قرار دهند، نهی کرده و فرمودند: در آن مقیم و مسافر برابر است. امام باقر علیه السلام یادآوری می کند که این نهی در زمان ابوبکر، عمر، عثمان و مولا علی علیه السلام تا زمان معاویه برقرار بوده است.

روایتی دیگر نیز همسو با این حدیث، گذشته از تفسیر آیه، به نوعی گزارش تاریخی نیز هست:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ سُئِلَ الصَّادِقُ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ» فَقَالَ لَمْ يَكُنْ يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ عَلَى دُورِ مَكَّةَ أَبْوَابٌ لِأَنَّ لِلْحَجَّاجِ أَنْ يَنْزِلُوا مَعَهُمْ فِي دُورِهِمْ فِي سَاحَةِ الدَّارِ حَتَّى يَقْضُوا مَنَاسِكَهُمْ وَإِنَّ أَوَّلَ مَنْ جَعَلَ لِدُورِ مَكَّةَ أَبْوَابًا مُعَاوِيَةُ» (حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۳، ص ۲۸۶، چ ۱، ۱۴۱۴ق.)

«از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر گزاره «سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ» پرسیده شد. ایشان فرمودند سزاوار نیست برای خانه های مکه در گذاشته شود؛ زیرا این از حقوق حجاج است که در خانه های ایشان تا پایان حج اقامت کنند. اولین کسی که برای خانه های مکه در گذاشت، معاویه بود.»

ب) مجاز نبودن صید در حرم

دانشیان فقه، صید در حرم را در حال احرام و غیر احرام، حرام می دانند، (طوسی، محمد بن حسن ابو جعفر، صص ۲۲۲- ۲۲۷، چ ۲، ۱۴۰۰ق.) مرحوم صاحب جواهر تأکید می کند که نه تنها صید، بلکه خوردن آن و کوچک ترین همکاری و نقش داشتن در صید نیز حرام است، (نجفی، محمد حسن، ج ۱۸، ص ۲۸۶، چ ۷، ۱۴۰۴ق.)

گزاره قرآنی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكُمْ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾^۱ (مائده: ۹۵). از جمله مستندات این حکم است. در این گزاره قرآنی، ضمن تشریح حرمت صید، در صورت ارتکاب، مرتکب به پرداخت کفاره ملزم می‌شود. اهمیت این آموزه و حرمت آن، آن‌چنان زیاد است که خداوند متعال با گزاره ﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ به تکرار دوباره آن هشدار داده و به مرتکب دوباره آن وعید انتقام الهی را می‌دهد.

همین گزاره قرآنی می‌تواند شاهی باشد که این گناه، از گناهان کبیره است. برخی از دانشیان تفسیر، تأکید می‌کنند که لازمه این حکم این است که امنیت، حتی برای حیوانات هم باید تأمین شود، (قرائتی، محسن، ج ۲، ص ۳۷۳، ج ۱۱، ۱۳۸۳ ش.). در کنار این گزاره قرآنی، برخی از روایات نیز از صید و همکاری در صید از سوی کسی که در حال احرام است و حتی کسی که محرم نیست، نهی می‌کند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَسْتَحِلَّنْ شَيْئاً مِنَ الصَّيْدِ وَأَنْتَ حَرَامٌ وَلَا وَأَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ وَلَا تَدُلَّنْ عَلَيْهِ مُجَلَّلاً وَلَا مُخْرِماً فَيَضْطَّادُوهُ وَلَا تُشِيرْ إِلَيْهِ فَيَسْتَحِلَّ مِنْ أَجْلِكَ فَإِنَّ فِيهِ فِدَاءً لِمَنْ تَعَمَّدَهُ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۴، ص ۳۸۱، ج ۴، ۱۴۰۷ ق.)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: در حال احرام و غیر احرام، شکار کردن را حلال مشمار؛ حتی راهنمای صید هم در حال احرام و غیر آن نشو که با راهنمایی تو، اقدام به صید کنند؛ چنانچه حتی اشاره کردن و مشخص کردن محل صید نیز نارواست و جریمه دارد.

اگرچه این حکم به حرم مکی اختصاص ندارد، ولی برخی از روایات، تأکید می‌کنند که

۱. «ای اهل ایمان! در حالی که در احرام [حج یا عمره] هستید، شکار را نکشید و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، کفاره‌ای همانند آن از جنس چهارپایان [اهلی] بر عهده اوست که [همانند بودن آن را] دو عادل از خودتان گواهی دهند و به عنوان قربانی به [حریم] کعبه رسد یا به کفاره [آن شکار کشته شده، معادل قیمت قربانی] به مستمندان طعام دهد یا برابر تعداد مستمندی که طعام می‌دهد، روزه بگیرد تا کبیر کار خود را بجشد. خدا از [گناه] کشتن شکارهایی که پیش از این حکم انجام گرفته، درگذشت و هر که [پس از کفاره دادن] به شکار کردن بازگردد، خدا از او انتقام می‌گیرد و خدا توانای شکست‌ناپذیر و صاحب انتقام است.»

این حکم در قسمتی از حرم مدنی و مدینه النبی نیز جاری است: «أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَحْرُمُ مِنَ الصَّيْدِ فِي الْمَدِينَةِ مَا صِيدَ بَيْنَ الْحُرَّتَيْنِ»؛ (در مدینه نیز صید در محدوده بین دو سنگلاخ (واقم، لیلی) حرام است)، (حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۴، صص ۳۳۶-۳۳۵، ج ۱، ۱۴۱۴ق.)

این آموزه و حکم فقهی و شناسایی و تأکید بر آن، در گزاره‌های قرآنی و روایی، و تراث فقهی، روایی و تفسیری دانشیان مسلمان که بر امنیت مطلق در حرم دلالت دارد و حتی پرندگان و حیوانات را هم شامل می‌شود، علاوه بر شناسایی و اعتباربخشی به موقعیت حرم، ظرفیت بسیار بالایی برای شناسایی و حمایت از حقوق حاجیان و حج گزاران و حتی مسافران این سرزمین در ابعاد بین‌المللی ایجاد می‌کند.

ج) ناروایی ساخت بنایی بالاتر از کعبه

دانشیان فقه، ساخت و ساز بنای مرتفع‌تر از کعبه را در نزدیکی آن ناروا دانسته و برخی بر حرمت و برخی بر کراهت این عمل تأکید می‌کنند. مرحوم صاحب جواهر موقعیت فقهی این حکم را گزارش می‌دهد:

«شیخ طوسی و گروهی از فقیهان بر اساس گزارش کتاب مدارک، بر این باورند که ساخت بنای مرتفع‌تر از کعبه در نزدیکی آن حرام است؛ چراکه مستلزم توهین و اهانت به کعبه است... در مقابل این انگاره، فاضل هندی در کتاب کشف اللثام، ادعا کرده که مشهور دانشیان فقه، ساخت بنای مرتفع‌تر از کعبه را مکروه می‌دانند، البته انگاره کراهت با اصول و قواعد فقه شیعه سازگارتر است... خانه و غیر آن بنا محسوب شده و حتی دیوارهای مسجد نیز بناست.» (نجفی، محمد حسن، ج ۲۰، ص ۵۰، ج ۷، ۱۴۰۴ق.)

برخی از گزاره‌های روایی نیز بر این حکم دلالت می‌کند: «وَمَهْيَ عليه السلام أَنْ يَرْفَعَ الْإِنْسَانُ بِمَكَّةَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ»؛ (المقنعه، ص ۴۴۴). «امام معصوم عليه السلام نهی کردند که کسی در مکه بنایی بالاتر از مکه بنا کند». «مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَلَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْفَعَ بِنَاءً فَوْقَ الْكَعْبَةِ»؛ (حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۱۳، ص ۳۳۶-۳۳۵، ج ۱، ۱۴۱۴ق.) «امام باقر عليه السلام در روایتی فرمود: شایسته نیست کسی ساختمان بالاتر از کعبه بنا کند.»

این انگاره فقهی نیز برخاسته از شناسایی ویژه حرم به عنوان یک مکان مذهبی و مقدس در آموزه‌های اسلامی است، به نحوی که ساخت و ساز در اطراف آن نیز اگر از جلوه آن بکاهد، نارواست. این مسئله مشابه ضوابطی است که در عرف و هنجارهای بین‌المللی برای حمایت از سایت‌های فرهنگی و میراث بین‌المللی اتخاذ می‌شود.

در کنار پذیرش درون دینی مکان‌های مقدس، قرآن کریم ضمن توجه به «اصل آزادی عقیده» (بقره: ۲۵۶)^۱ بر «اصل احترام به نمادها و شخصیت‌های آیینی و مذهبی» (انعام: ۱۰۸)^۲ تأکید می‌کند، (قرآن و احترام به پیروان دیگر ادیان، صص ۲۲۸-۲۲۱). چنانچه گزاره قرآنی «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ تَأْتِسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰)^۳. نه تنها عبادتگاه و اماکن مذهبی دیگر ادیان را شناسایی کرده است، بلکه دفاع و حفظ آن را به خداوند متعال نسبت می‌دهد.

اسلام و حاکمیت حرم

اگرچه بنا بر اضطرار و برخی مصالح، تقسیمات امروزی برای کشورهای با مفهوم دوران دولت مدرن، پذیرفته می‌شود و بالتبع حاکمان این دولت‌های مستقر در سرزمین‌های اسلامی، دارای برخی از صلاحیت‌های حاکمیتی نیز هستند، ولی این صلاحیت‌ها، مقید به رعایت آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس در مورد قسمتی از کشورهای اسلامی که دارای تقدس است و از لحاظ سرزمینی در انجام مناسک و عبادات اسلامی نقش دارد، صلاحیت‌های حاکمیتی دولت‌های سرزمینی، هر اندازه هم که باشد، نباید محدودیتی را برای مسلمانان در دسترسی به این اماکن ایجاد کند.

۱. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» «در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست.»

۲. «وَلَا تُسْبَوُا الدِّينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بَعِيْرَ عِلْمٍ»، «به معبودانی را که کافران به جای خدا می‌پرستند، دشنام ناسزا نگویند، که آنان هم از روی دشمنی و نادانی به خداوند ناسزا خواهند گفت.»

۳. «و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی

که در آنها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌

دهند یاری می‌رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.»

در این میان حرم مکی و مدنی و سرزمین حجاز که محل نزول وحی، خانه خدا و مدفن النبی ﷺ است، محلی است که مقدس ترین مقدسات اسلامی در آن است و ام القرای اسلام است، (انعام: ۹۲). گزاره های قرآنی، محدودیت و مانع تراشی در دسترسی به مسجد الحرام، حرم و انجام مناسک حج را محکوم می کند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفِ فِيهِ﴾. (بقره: ۱۲۵)^۲

﴿وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَائُهُ إِلَّا الْمُتَفَوِّنُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾. (انفال: ۳۴)^۳

﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحَلَّهُ﴾. (فتح: ۲۵)^۴

۱. «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ «و این [قرآن] کتابی است پرفایده که ما آن را نازل کردیم؛ تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است و [نزولش] برای این است که مردم مکه و کسانی را که پیرامون آنند، بیم دهی و آنان که به آخرت ایمان دارند، به آن ایمان می آورند و آنان همواره بر نمازشان محافظت می کنند.»
 ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾؛ «و این گونه قرآنی [به زبان] عربی [فصیح و گویا] به تو وحی کردیم تا [مردم] ام القری (شهر مکه) و کسانی را که پیرامون آن هستند، بیم دهی و آنان را از روز جمع شدن (روز قیامت) که تردیدی در آن نیست، بترسانی؛ [روزی که] گروهی در بهشت اند و گروهی در آتش سوزان» (شوری: ۷).
 انذار مکه و اطرافش که در این گزاره های قرآنی از وظایف پیامبر ﷺ شمرده شده است، با توجه به جهانی بودن رسالت پیامبر ﷺ، مؤید این مهم است که مکه مکرمه، ام القرای جهان اسلام است و مرکزیت داشته و بقیه سرزمین های اسلامی، بنا بر منطق قرآنی، سرزمینی پیرامونی هستند.

۲. «مسلماً کسانی که کافرند و از راه خدا و [ورود مؤمنان به] مسجد الحرام که آن را برای همه مردم، چه مقیم، حاضر و چه مسافر، یکسان قرار داده ایم جلوگیری می کنند، [کیفری بسیار سخت خواهند داشت]»

۳. «و چه چیزی مانع آنان است که خدا عذابشان نکند، در حالی که [مردم مؤمن را] از ورود به مسجد الحرام [و عبادت در آن] با آنکه متولیان آن نیستند، بازمی دارند؛ متولیان [شایسته و واقعی] این [مکان مقدس] فقط پرهیزکاران اند، ولی بیشتر مشرکان نمی دانند [که تولیت آنجا شایسته آنان نیست]»

۴. «آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از [ورود به] مسجد الحرام باز داشتند و نیز نگذاشتند قربانی هایی که با خود آورده بودید، به محل قربانی اش برسند.»

گزاره ﴿وَمَا كُنُوا أَوْلِيَاءَ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّفُونَ﴾، تأکید می‌کند که تنها کسانی شایستگی تولیت این حرم‌ها را دارند که پرهیزگار باشند. قرآن کریم تصریح می‌کند که کعبه، متعلق به همه مسلمانان و مردم است و هیچ گروه و فرقه‌ای نسبت به آن برتری نداشته و ندارند. در گزاره‌های قرآنی بر حق همگانی حج گزارای و ورود به مکه و سرزمین وحی تأکید شده و ممانعت از آن ناروا دانسته شده است:

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ﴾. (مائده: ۹۷)^۱

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. (بقره: ۱۲۵)^۲

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾. (آل عمران: ۹۶)^۳

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾. (حج: ۲۵)^۴

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. (حج: ۲۷)^۵

۱. «خدا، [زیارت] کعبه، آن خانه باحرمت و ماه‌های حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشان‌دار را وسیله قوام و برپایی [زندگی، معیشت و ستامان دنیا و آخرت] مردم قرار داد.»
۲. «[یاد کنید] هنگامی که ما این خانه [کعبه] را برای همه مردم، محل گردهمایی و جای امن و امان قرار دادیم و [فرمان دادیم]: از مقام ابراهیم، جایگاهی برای نماز انتخاب کنید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانهم را برای طواف‌کنندگان و اعتکاف‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجده‌گزاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید.»
۳. «یقیناً نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم نهاده شد، همان است که در مکه است که پربرکت و وسیله هدایت برای جهانیان است.»
۴. «کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا و مسجد الحرام که ما آن را برای همه مردم معبد قرار دادیم و مقیم و مسافر در آن یکسان است باز می‌دارند، بدانند که ما بر هر کس از ایشان که بخواهد در آنجا تجاوزی کند، عذابی دردناک خواهیم داد.»
۵. «و در میان مردم برای حج بانگ زن تا پیاده و سوار بر هر شتر باریک‌اندام (چابک و چالاک) که از هر راه دور می‌آیند، به سوی تو آیند.»

البته در حقوق بین الملل نیز با شناسایی «مکان‌های مقدس» و حمایت حقوقی از آن، به آموزه‌های حقوقی مشابه آموزه‌های اسلام در زمینه حج و حرم برمی‌خوریم؛ چنانچه شناسایی، معاهدات و عرف بین‌المللی شکل گرفته در مورد دریاها، آزاد، جنوبگان و فضا، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های گفتمانی ایجاد می‌کند که نقش بسزایی در شکل‌گیری ادبیات حقوقی برای حمایت از این مکان‌ها و حقوق مسلمانان در پی دارد.

توضیح آنکه، زمانی تصور می‌شد که می‌توان دریاها را به‌طور کامل مورد حاکمیت ملی قرار داد و حتی در قرن هفده، پرتغالی‌ها، دریاها را به عنوان بخشی از سرزمین خود، اعلام کردند. در مقابل، دکترین دریای آزاد مطرح شد و بر اساس آن، اقیانوس‌ها به عنوان مشترکات عمومی در دسترس همه ملت‌ها قرار گرفت و اختصاص ناپذیر شد. امروزه و بنا بر معاهدات بین‌المللی، اصطلاح «دریای آزاد» (The High Seas)، که به معنای کلیه سرزمین‌هایی است که جزو دریای سرزمینی یا آب‌های داخلی هیچ دولتی نباشد، مورد پذیرش قرار گرفته و معاهدات چندی در این زمینه به تصویب دولت‌ها رسیده و در عمل نیز، دولت‌ها به آن پایبندی کامل دارند، (حقوق بین الملل نوین، صص ۲۲۶-۲۱۸؛ ربکا والاس، ترجمه: سید قاسم زمانی، ص ۲۰۴، ج ۲، ۱۳۸۷ش).

این توضیح از این باب است که بایسته است با ارائه بحث‌های نظری در زمینه مکان‌های مقدس و تأکید بر حقوق انسانی و آزادی‌های دینی در زمینه دین و مذهب، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری گفتمانی در جهت شناسایی کامل این حقوق در همه ابعاد شکل بگیرد و تعهدات دولت‌هایی که امروزه این مکان‌ها در جغرافیای حاکمیتی آنان قرار گرفته است به شکل جدی همراه با ضمانت اجرایی الزام آور مشخص شود.

۲. حقوق بین الملل و مکان‌های مقدس

در عرف بین‌المللی، مکان‌های مقدس، مکان و سایت‌هایی است که در محدوده جغرافیایی خاصی واقع شده است و یک یا چند دین یا مذهب آن را مقدس می‌دانند. مکان‌های مقدس یا ساخته بشر هستند (Manmade Structures)، مثل کلیساها، معابد و قبرستان‌ها یا پدیده‌های طبیعی، (Natural Objects) مثل درخت یا درختان، رودخانه‌ها، تپه‌ها و جنگل‌ها. این مکان‌ها

و نگهداری و محافظت از آنها، باعث شکل‌گیری مباحث حقوقی متعددی در گستره ملی و بین‌المللی شده است.^۱ این مکان‌ها و حرمت و قداستی که دارند، باعث شکل‌گیری آئوریت‌های می‌شود که گاه تأثیر بسزایی در سطح بین‌المللی و حقوق بین‌الملل دارد.

در مواردی حتی حاکمیت و صلاحیت‌های حاکمیتی کشورها و دولت‌هایی که این مکان‌ها در آن واقع هستند، تحت تأثیر این آئوریت‌ها، محدود می‌شود. برخی از نویسندگان به‌طور مشخص از حاکمیت قوانین اسلامی بر مکه و حرم مکی سخن گفته و مدعی هستند که آئوریت‌های که این مکان در آموزه‌های اسلامی داشته، باعث شده است که حکومت‌های حجاز، مثل حاکمیت پادشاهی سعودی، خود را خادم این حرم بدانند^۲ و قدرت و موقعیتی در برابر قداست و آئوریت‌ها این مکان نداشته باشند، (Ibid, 229). در مقابل، تکلیف شناسایی و حمایت دولت‌ها از این حرم‌ها یا نابداری مذهبی حاکمیت‌ها و حکومت‌ها در برابر این مکان‌ها نیز، از مسائلی است که حقوق بین‌الملل وظیفه دارد به آن پردازد.

ماده ۱۸ «اعلامیه جهانی حقوق بشر»^۳ در جهت اعلام و شناسایی حق آزادی مذهبی، می‌گوید:

«هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و عبادت و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق به‌طور خصوصی یا به‌طور عمومی برخوردار باشد.»

کمیته حقوق بشر در بند ۴ تفسیر عام ۲۲، واژه «worship» را تفسیر کرده و با ارائه تفسیری موسع از آن بنا و نگهداری اماکن مذهبی را از جمله گستره و لوازم پذیرش حق بر عبادت می‌داند.^۴ چنانچه

1. Encyclopedia of Disputes Installment 10, p227, available at https://books.google.com/books?id=ioaL-BQAAQBAJ&dq=holy+place+international+law&source=gbs_navlinks_s.

۲. این گفته ایشان از این حیث که اشاره به جایگاه و قداست حرم مکی دارد، صحیح است. چنانچه همین قداست و جایگاه ارزشمند این حرم در بین مسلمانان باعث شده است حکام جائر سعودی، به حاکمیت خود، پوشش خادم الحرمین بودن، بدهند.

3. UNIVERSAL DECLARATION OF HUMAN RIGHT

4. Human Rights Committee, General Comment 22, Article 18 (Forty-eighth session, 1993). Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 35 (1994).

بند A از ماده ۶ اعلامیه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل، بر محور هر نوع نابردباری و تبعیض بر اساس مذهب تأکید می‌کند.^۱

در این سند نه تنها وجود عبادتگاه‌های مذهبی شناسایی شده است، بلکه گزاره «establish and maintain places» بر حق ساخت و ساز و نگهداری اماکن برای اهداف و عبادات مذهبی تأکید می‌کند.^۲ این واقعیت در قطعنامه ۶/۳۷ کمیسیون حقوق بشر به صراحت شناسایی شده است و بر التزام به آن تأکید می‌شود.^۳

همچنین گزارش‌های بازدید در قالب پاسداشت حق آزادی دین و مذهب که از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۱۱ م. صورت گرفته است، بر شناسایی مکان‌های مقدس و حق داشتن، تأسیس و نگهداری مکان‌های مذهبی برای عبادت و انجام مناسک و اعمال مذهبی تأکید می‌کند. برای نمونه در گزارش بازدید از ترکیه، بر وظایف دولت و حاکمیت ترکیه در احترام گذاشتن به مسیحیان، ارتودوکس‌ها و ارامنه تأکید شده است. چنانچه دولت، موظف شده است از حق داشتن عبادتگاه مخصوص، حمایت کند و در جاهایی که جمعیت‌ها و اقلیت‌های جدید شکل می‌گیرند نیز، از ساخت و ساز مکان‌های مذهبی جلوگیری نکند. این گزارش در ادامه، ایجاد محدودیت در این زمینه را ناروا دانسته است.^۴

در کنار این اسناد و گزارش‌ها که بیشتر جنبه حقوق بشری دارد، اسناد و معاهدات بین‌المللی دیگری نیز بر حق شناسایی و تعهدات دولت‌ها و افراد نسبت به مکان‌های مقدس دلالت دارند. مرکز حقوق بشر دانشگاه مینیسوتا در سال ۲۰۰۳ م. بروشوری را با عنوان «راهنمای مطالعه، آزادی دین و عقیده»، به صورت الکترونیکی منتشر کرد که همه اسناد، گزارش‌ها و

1. the right to freedom of thought, conscience, religion or belief shall include, inter alia, the following freedoms:
(a) To worship or assemble in connexion with a religion or belief, and to establish and maintain places for these purposes;»
2. Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief. UN Doc. A/RES/36/55, 25 November 1981.
3. Human Rights Council resolution, 6/37 (paragraph 9 (e,g)).
4. Rapporteur's Digest on Freedom of Religion or Belief, E/CN.4.1999/91/Add.1, para.93 (country visit to India). A/55/280/Add.1, para.160 (country visit to Turkey).

Available at: <http://www.ohchr.org/EN/Issues/FreedomReligion/Pages/Standards.aspx>.

معاهدات بین‌المللی با موضوع عام آزادی دین و عقیده را برشمرده بود.

از آنجا که مکان‌های مقدس و شناسایی و تعهدات دولت‌ها و جوامع در برابر آن، یکی از موارد و دغدغه‌های مرتبط با آزادی دین و مذهب است؛ اسنادی که در این راهنما به آن اشاره و لینک شده، منابع مهمی برای پژوهش در زمینه مکان‌های مقدس و سایت‌های مذهبی در حقوق بین‌الملل است.^۱ چنانچه توجه به پتانسیل‌های کنوانسیون ۱۹۴۵ لاهه در زمینه حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمات بین‌المللی نیز راهی دیگر برای شناسایی مکان‌های مقدس در مخاصمات مسلحانه است.^۲ این کنوانسیون و ظرفیت‌های آن در زمینه مکان‌های مقدس، مورد توجه برخی از بازرسان و دیدبانان سازمان ملل در زمینه حق دارا بودن مکان‌های مقدس قرار گرفته و در گزارش‌های خود به آن استناد می‌کنند.^۳ چنانچه عرف بین‌المللی و ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل عرفی نیز می‌تواند از دیگر راهکارهایی باشد که برای شناسایی، تثبیت و حق‌خواهی در زمینه مکان‌ها و سایت‌های مقدس مورد توجه و استناد قرار بگیرد.

همچنین در زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه نیز بنا بر آموزه‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از مکان‌های مقدس و مذهبی و پرسنل مذهبی، حمایت‌های ویژه می‌شود. در ماده ۱۶ «پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، در خصوص حمایت از قربانیان مسلحانه غیر بین‌المللی ژنو، در ژوئن ۱۹۷۷»، ذیل موضوع «حمایت از اشیای فرهنگی و اماکن عبادت» مقرر شده است:

«بدون هیچ‌گونه خدشه‌ای به کنوانسیون لاهه راجع به حفاظت از اموال فرهنگی در مخاصمه مسلحانه ۱۴ می ۱۹۵۴، انجام هرگونه عملیات جنگی که آثار تاریخی، کارهای هنری و مکان‌های عبادت را که سازنده میراث معنوی یا فرهنگی مردم باشد، مورد هدف قرار دهد و استفاده از آن در حمایت از مقاصد نظامی، ممنوع است.»^۴

1. STUDY GUIDE: Freedom of Religion or Belief, University of Minnesota Human Rights Center, 2003. available at: <http://www1.umn.edu/humanrts/edumat/studyguides/religion.html>
2. Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulations for the Execution of the Convention 1954, UNESCO 1995-2010 - ID: 13637, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
3. Rapporteur's Digest on Freedom of Religion or Belief, E/CN.4/2005/61, paras. 48-52.

۴. حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، ص ۴۱۳.

در بند ۱ ماده ۹ همین پروتکل، ذیل موضوع «حمایت از پرسنل پزشکی و مذهبی» تأکید می‌شود: «پرسنل پزشکی و مذهبی باید مورد احترام قرار گرفته^۱ و به آنها همه نوع امکانات و کمک‌های ممکن در خصوص اجرای وظایفشان داده شود.»^۲

الف) حقوق بین‌الملل مکان‌های مقدس و حاکمیت دولت‌ها

توجه به صلاحیت‌های حاکمیت و دولت‌ها، به‌ویژه اصل صلاحیت سرزمینی (ریکا والاس، ترجمه: سید قاسم زمانی، صص ۱۴۸-۱۴۹، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.)^۳ که قاعده‌ای پذیرفته شده و دیرپا در حقوق بین‌الملل است، باعث شکل‌گیری این آموزه شده است که مکان‌های مقدس، به هر روی، محکوم صلاحیت‌های سرزمینی حاکمیتی است که بر گستره جغرافیایی این مکان‌ها اعمال اقتدار می‌کند. هر چند پذیرش منشور ملل متحد و تصویب اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ م. و دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۶۶ م. چنان اثری در مناسبات جامعه بین‌المللی گذاشته است که هیچ دولتی بایستگی رعایت حقوق بشر در گستره جهانی و تمامی نقاط جهان را به چالش نمی‌کشد.

دولت‌ها و حاکمیت‌ها به تدریج و در اثر شکل‌گیری گفتمان حقوق بشر، این ایده را پذیرفته‌اند که تجاوز به حقوق اساسی بشر، عملی نارواست و دولت خاطی، مسئول پاسخگویی به جامعه بین‌المللی خواهد بود. برخی از دانشیان حقوق بین‌الملل در همین راستا و در کنار تأکید بر صلاحیت‌های حاکمیتی دولت‌ها، آنان را موظف به هماهنگی بین صلاحیت‌های خود و تعهدات ناشی از رعایت اصول حقوق بشر می‌دانند، (آنتونیو کاسسه، ترجمه: حسین شریفی، صص ۱۹۹-۱۹۷، چ ۱، میزان، ۱۳۸۵ ش.) بر این اساس بایسته توجه است که اعمال صلاحیت‌های حاکمیتی دولت‌ها، به هیچ وجه نمی‌تواند مانع استیفای حق آزادی دین و عقیده در تمامی ابعاد آن، به‌ویژه حق در زمینه عبادت گاه‌ها و مکان‌های مقدس شود.

امروزه از میان اماکن مقدس، واتیکان و بیت المقدس در نظام حقوق بین‌الملل به عنوان

۱. مقرر در زمینه حقوق این پرسنل در درگیری‌های مسلحانه و جنگ است.

۲. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، ص ۴۱۱.

۳. «اصل صلاحیت سرزمینی، بنیانی نظری و مبنایی برای اعمال صلاحیت دولت‌هاست. بر اساس این اصل، وقایعی که در محدوده سرزمینی یک کشور رخ می‌دهد و اشخاصی که در آن محدوده هستند، ولو به صورت موقت و عبوری، تابع قوانین محلی می‌باشند»

سرزمین‌های واجد تقدس که شایسته استقلال نسبی هستند، شناخته شده‌اند، (ریکا والاس، ترجمه: سید قاسم زمانی، ج ۱، صص ۷۴۶-۷۴۱، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.). واتیکان به رهبری پاپ، نمونه‌ای از نهادهای دارای شخصیت بین‌المللی است. جمعیت مسقر در آن، نه بومی هستند و نه دایمی، ولی دارای تابعیت واتیکانی هستند. واتیکان در طول سال‌های مختلف، عضو معاهدات بین‌المللی با گستره موضوعی متفاوت شده است. واتیکان در سازمان ملل، دارای عضو ناظر است و با ۱۷۰ دولت، دارای روابط دیپلماتیک است؛ چنان‌که بازیگران بین‌المللی دیگری نیز تمایل به برقراری روابط بین‌المللی با واتیکان داشته و دارند. (حقوق بین‌الملل (والاس)، زمانی، سیدقاسم، چاپ دوم، صص ۱۰۴-۱۰۵، ۱۳۸۷ ش.)

وظایف بین‌المللی واتیکان زیر نظر و دستور پاپ از سوی دبیر دولت و دبیر شورای اداره عمومی کلیسا، انجام می‌شود. بر اساس این شناسایی بین‌المللی، کلیسای کاتولیک، مشارکتش در روابط و مناسبات بین‌المللی را همسان دولت‌ها به انجام می‌رساند و مدعی قابلیت استناد بین‌المللی است. (حقوق بین‌الملل عمومی، گرهارد فن گلان، ترجمه سید داوود آقایی، چاپ سوم، ج ۱، صص ۷۴۱-۷۴۶، ۱۳۸۶ ش.)

«بیت المقدس» نیز به موجب قطعنامه ۱۸۱ بیست و نهم نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حکومت آینده فلسطین، شایسته شناسایی بین‌المللی و رژیم حقوقی بین‌المللی دانسته شده است. اگرچه هنوز اوضاع و احوال سیاسی، مانع از تحقق آن شده است، ولی اقدامات مغایر با این ایده، به‌طور مکرر محکوم شده است و تأکید شده که کلیه اقدامات و مقررات قانونی اسرائیل که خصوصیت و موقعیت این شهر را تغییر داده یا درصدد تغییر آن است، به‌ویژه اعلام پایتختی این شهر، باطل و بدون اثر بوده و بلافاصله باید لغو شود. (همان، ص ۷۴۹.)

یک - بازخوانی «قطعنامه ۱۸۱ بیست و نهم نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حکومت آینده فلسطین».

در قطعنامه ۱۸۱ بیست و نهم نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حکومت آینده فلسطین، نقشه تقسیم فلسطین به حکومت‌های مستقل عربی و یهودی و رژیم مخصوص بین‌المللی، شهر بیت‌المقدس است. این قطعنامه و تقسیم فلسطین بنا به اعتقادات اسلامی و گفتمان غالب جهان اسلام و جمهوری اسلامی مردود است. ما مسلمانان معتقدیم که مسئله

فلسطین، فقط با همه‌پرسی از فلسطینیان اصیل مقیم و غیر مقیم، حل شدنی است و این تنها راه حل دموکراتیک مسئله فلسطین است.

بازخوانی قطعنامه مذکور به معنای پذیرش آن نیست، بلکه هدف، شناسایی ظرفیت‌های گفتمانی در مورد مکان‌های مقدس در اسناد بین‌المللی است. قطعنامه با طرح ایده «رژیم بین‌المللی شهر بیت المقدس» و «مکان‌های مقدس»، ظرفیت‌های مهمی برای گفتمان‌سازی و حمایت از مکان‌های مقدس در دیگر سرزمین‌ها؛ از جمله حجاز به وجود آورده است. بر این اساس بازخوانی برخی از فقرات این قطعنامه با توجه به موضوع مقاله، بایسته است.

مقرره‌های مرتبط با مکان‌های مقدس در قطعنامه به مقرره‌های عام که به تبیین بایسته‌های عام هنجاری با موضوع «مکان‌های مقدس، ساختمان‌ها و محل‌های مذهبی» و مقرره‌های خاص «شهر بیت المقدس»، تقسیم می‌شود. هر دو این مقرره‌ها دارای ارزش بالایی برای حمایت و گفتمان‌سازی بین‌المللی در زمینه حمایت از مکان‌های مقدس و مذهبی در بر دارد. (فلسطین و حقوق بین‌الملل، هنری کتان، ترجمه غلامرضا فدایی، چاپ اول، صص ۲۳۳-۲۵۳، ۱۳۶۸ ش.)

دو- قطعنامه و بایسته‌های عام هنجاری با موضوع «مکان‌های مقدس، ساختمان‌ها و محل‌های مذهبی»

قطعنامه در زمینه مکان‌های مقدس، ساختمان‌ها و محل‌های مذهبی، مقرر داشته است که حقوق موجود در مورد مکان‌های مقدس، ساختمان‌ها و محل‌های مذهبی، نباید نادیده گرفته شوند. توجه و تأمین آزادی دسترسی، زیارت، عبور و عبادت در مکان‌های مقدس، مشروط به رعایت هنجارهای امنیت ملی، نظم عمومی و مقررات اخلاقی بایسته است. حفاظت از این مکان‌ها و تعمیرشان در مواقع نیاز، ضروری است. چنان‌که اقدامی به هتک حرمت این مکان‌ها منجر شود، مجاز نخواهد بود. وضع و اخذ مالیات از مکان‌های مقدسی که در زمان استقلال کشور از پرداخت مالیات معاف بوده‌اند، نارواست. (قطعنامه، بخش یکم، فصل یکم.)

سه- قطعنامه و مقرره‌های خاص «شهر بیت المقدس»

بنا بر قطعنامه، شهر بیت المقدس و شهرک‌های اطراف آن با یک رژیم بین‌المللی و به وسیله سازمان ملل، اداره می‌شود. حاکم نباید تبعه قسمت عرب‌نشین و یهودی‌نشین باشد، بلکه

حاکم، نماینده سازمان ملل در شهر بیت المقدس است و از طرف آن، دارای قدرت کامل برای اداره این شهر؛ از جمله رهبری امور خارجی شهر است.

حمایت و حفاظت از منافع معنوی و مذهبی پیروان مذاهب سه گانه توحیدی بزرگ جهان (مسلمانان، مسیحیان و یهودیان)، از مهم ترین وظایف سیستم حکومتی بیت المقدس است. تمام حقوقی که به نحو عمومی در مورد مکان‌ها و ساختمان‌های مقدس گفته شده، در مورد این مکان‌ها در بیت المقدس هم جاری است.

بایسته است که شهر بیت المقدس، غیر نظامی و بی طرف باقی مانده و هیچ گونه تشکیلات، تمرینات و فعالیت‌های نظامی نباید در درون مرزهای شهر انجام گیرد. البته برای حفاظت از قوانین داخلی و نظم و حراست از مکان‌ها و بناهای مقدس، پلیس مخصوصی تشکیل می شود. یک شورای قانون گذاری که به وسیله سکنه بالغ شهر انتخاب می شود، دارای قدرت قانون گذاری و وضع مالیات است. قانون باید استقرار یک نظام مستقل قضایی؛ از جمله یک دادگاه استیناف را که همه مردمان شهر تابع آن خواهند بود، تدارک ببیند. تمام ساکنان این شهر تابع این شهر می شوند. زبان رسمی مردمان شهر، عربی و عبری است. (قطعنامه، بخش سوم).

نتیجه گیری

آموزه های اسلامی و حقوق بین الملل ظرفیت بالایی برای حمایت همه جانبه از مکان های مقدس دارد. بایسته است که دانشیان مسلمان، ضمن تبیین و بهره گیری از این ظرفیت ها، موجبات شکل گیری گفتمانی را برای استیفای حقوق مسلمانان در سراسر جهان فراهم آورند. مسلمانان در سایه این حق، قادر هستند در کشورهای مختلف، حتی کشورهای غیر اسلامی که در اقلیت هستند، از حق آزادی عقیده و دارا بودن مکان ها و نمادهای متناسب با هنجارهای آیینی و مذهبی خود، برخوردار باشند؛ چنان که در کشورهای اسلامی که یکی از حرم های مقدس در آن وجود دارد، مسلمانان از حق دسترسی، امنیت، آزادی رفت و آمد و مشارکت همه جانبه در مراسم برخوردارند. البته التزام به نظم عمومی و صلاحیت های حاکمیتی دولت میزبان نیز بایسته است.

منابع

۱. اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی.
۲. الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية، ياسين عيسى عاملي، چ ۱، بیروت، دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۳ق.
۳. تاج العروس من جواهر القاموس، سید محمد مرتضی حسینی واسطی زبیدی، چ ۱، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
۴. التحرير و التنوير، محمد بن طاهر ابن عاشور، بیروت، مؤسسة التاریخ، بی تا.
۵. تفسیر نور، محسن قرائتی، چ ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۶. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، چ ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۷. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمد حسن نجفی، چ ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۸. حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد ژنو)، هاجر سیاه‌رستی و دیگران، تهران، موسسه آموزش علمی کاربردی هلال احمر، ۱۳۹۰ش.
۹. حقوق بین‌الملل عمومی، نگوین کک‌دین و دیگران، ترجمه: حسن حبیبی، چ ۱، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲ش.
۱۰. حقوق بین‌الملل نوین، مایکل اکهرست، ترجمه: بهمن آقایی، چ ۲، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶ش.
۱۱. حقوق بین‌الملل، آنتونیو کاسسه، ترجمه: حسین شریفی، چ ۱، تهران، میزان، ۱۳۸۵ش.
۱۲. حقوق بین‌الملل، ربکا والاس، ترجمه: سید قاسم زمانی، چ ۲، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷ش.
۱۳. حقوق بین‌الملل، ملک شاو، ترجمه: محمد حسین وقار، چ ۳، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۹ش.
۱۴. درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، گرهارد فن گلان، ترجمه: سید داوود آقایی، چ ۳، تهران، میزان، ۱۳۸۶ش.
۱۵. الفرقان فی تفسیر القرآن، محمد صادقی، چ ۲، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۶. فرهنگ حقوق بین‌الملل مخصصات مسلحانه، پیتر وری، ترجمه: سیامک کرم‌زاده و کتابیون حسین‌نژاد، چ ۲، تهران، سرسم، ۱۳۹۱ش.
۱۷. فقه الامام الصادق (ع)، محمد جواد مغنیه، چ ۲، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ق.
۱۸. فلسطین و حقوق بین‌الملل، هنری کتان، ترجمه: غلامرضا فدایی، چ ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۸ش.

۱۹. «قرآن و احترام به پیروان دیگر ادیان»، سید محمدعلی هاشمی، دانش پژوهان، سال هفتم، ش ۱۸-۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش.
۲۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۴، تهران، اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. المحيط فی اللغة، صاحب بن عباد، ج ۱، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
۲۲. مصطلحات الفقه، میرزا علی مشکینی، ج ۱، قم، الهادی، ۱۴۱۹ق.
۲۳. معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، عبدالمنعم محمود عبد الرحمان، قاهره، دار الفضيله، بی تا.
۲۴. مفاتیح الغیب، محمد بن عمر فخر رازی، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۵. المقنعه، محمد بن محمد مفید، ج ۱، قم، اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۶. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، محمد بن حسن ابو جعفر طوسی، ج ۲، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۲۷. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، ج ۱، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ق.
28. Convention for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict with Regulations for the Execution of the Convention 1954, UNESCO 1995 2010 ID: 13637, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
29. Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief. UN Doc. A/RES/36/55, 25 November 1981.
30. Human Rights Committee, General Comment 22, Article 18 (Forty eighth session, 1993). Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U. N. Doc. HRI/GEN/1/Rev. 1 at 35 (1994).
31. Human Rights council resolution, 6/37 (paragraph 9 (e.g)).
32. Linda, J Pike, Encyclopedia of Disputes Installment 10, Elsevier, Tir 7, 1393 AP.
33. Rapporteur's Digest on Freedom of Religion or Belief, E/CN. 4. 19997/91/Add. 1, para. 93 (country visit to India). A/55/280/Add. 1, para. 160 (country visit to Turkey).
34. STUDY GUIDE: Freedom of Religion or Belief, University of Minnesota Human Rights Center, 2003.
35. UNIVERSAL DECLARATION OF HUMAN RIGHT.